

قفسه کتابخانه



تهیه و تنظیم: فرزانه رجبی

اهمیت شناختن و شناساندن کتاب‌ها و آثار قلمی منتشر شده در گذشته و امروز، برکسی پوشیده نیست. آشنایی با پیشینه پژوهش و تحقیق دیگران امری ضروری است و بی توجه به آن نمی‌توان در مطالعات جدید فعالیت موثری انجام داد. گاهی برخی آثار منتشره ویژگی‌های بارزی هم دارند که ضرورت شناخت آنان را دو چندان می‌کند. تلاش این فصلنامه آن است که در هر شماره یک یا چند کتاب منتشر شده در گذشته و امروز را معرفی کند. البته همانند تمامی مطالب این نشریه، نگاه به آثار تولیدی بومی سرزمین گرگان در اولویت است.

در شماره دو کتاب ارزشمند برای خوانندگان گرامی معرفی شده است.

نام کتاب: میرزا مسیح مجتهد و فتوای

شرف

نویسنده: غلامرضا گلی زواره

مشخصات فیزیکی: تعداد صفحات: ۱۸۳

جلد: رنگی و ورق‌های کاهی

اندازه: رقعی

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۳۷۶

انتشارات: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی

علمیه ی قم.

نام کتاب: زنان پیشگام ایرانی

افضل وزیری دختر بی خانم استرآبادی.

نویسنده: نرجس مهرانگیز فلاح

مشخصات فیزیکی: این کتاب در ۱۷۶

صفحه با جلد رنگی که شامل عکسی از

خدیجه افضل وزیری است در اندازه ی

رقعی گردآوری شده است.

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۵

انتشارات: تهران نشر و پژوهش شیرازه.

زنان پیشگام ایرانی افضل وزیری دختر بی بی خانم استرآبادی

در پژوهش‌های تاریخی و علوم انسانی موجود در ایران آن چه که کمتر به چشم می‌خورد مطالعه‌ی زندگی زنان برجسته‌ی ایرانی دوره‌ی معاصر است. همین امر موجب شناخت محدودی از تلاش‌های فردی و اجتماعی زنان پیشگام ایرانی در تاریخ سرزمین مان شده است، زنانی که در بطن وقایع مهم تاریخی و اجتماعی نقش آفرین بوده و به بیان مطالبات خود پرداخته‌اند.

از مطالبات زنان طی سال‌های متمادی، حق دسترسی به دانش و کسب علم بوده است. فعالان و مبارزان در حوزه‌ی زنان بر این نظرند که فرو دستی تاریخی زنان اساساً ناشی از عدم برابری در حصول دانش نسبت به مردان است و تلاش زنان در رسیدن به راه‌های رفع این نابرابری از جمله پیکارهای درخشان تاریخ بوده است. حال اگر به گوشه‌ای از این تاریخ دست یابیم و با زندگی زنانی از میان افراد شاخص زمان گذشته و تجربیات آنان آشنا شویم، می‌توانیم فضای زمان را در دقت خاطرات و از نگاه آنان بازسازی کنیم و این امر موهبتی است که جز با کار موشکافانه تحقیق به انجام نمی‌رسد. کتاب زنان پیشگام ایرانی (خدیجه افضل وزیری) در رابطه با همین بحث است.

خدیجه افضل وزیری در سال ۱۳۰۸ ق (۱۹۲۱ م) متولد شد. وی پنجمین فرزند بی بی خانم استرآبادی است. بی بی خانم از مبارزان و پیشگامان زمان خود در دوره‌ی مشروطیت و از زنان فعال و مبارز در زمینه‌ی حقوق زنان در آن دوره و نیز مؤسس دبستان دوشیزگان است که نخستین مدرسه‌ی دخترانه در ایران در سال ۱۳۲۴ ق بود. نویسنده کتاب یادآور می‌شود که با افتتاح مدرسه‌ی جدید بی بی خانم دچار استرس زیادی شد و در پی چاپ تکفیرنامه از سوی روحانیون آن زمان برای بی بی خانم وی مجبور شد در محافل مختلف از اقدامات خود به نفع دختران و زنان دفاع کند. مخالفت روحانیون سبب شد بی بی خانم بعد از چند ماه فعالیت مدرسه را به مدت یک سال تعطیل کند اما بعد از واقعه‌ی به توپ بستن مجلس در ۱۳۲۶ ق مدرسه‌ی دوشیزگان را افتتاح کرد. بی بی فاطمه معروف به بی بی خانم از بانوان مشهور عصر قاجار که در سال ۱۲۷۴ ق متولد شد و در سال ۱۳۰۰ ش درگذشت. بی بی خانم بعد از ازدواج با موسی خان وزیری صاحب هفت فرزند شد که دو تن از آن‌ها در عرصه‌ی هنر نام‌آور شدند، یکی علی نقی وزیری است که به پدر موسیقی نوین ایران معروف شد و دیگری حسنعلی وزیری که نقاشی چیره دست شد.

متن این کتاب براساس بخشی از بازگویی تاریخ شفاهی و از خاطرات شخصی خدیجه افضل وزیری است که در سال ۱۳۵۱ تهیه و ضبط شده و به وسیله‌ی فرزند وی مهرانگیز ملاح به نگارش درآمده است. چاپ اول کتاب در سال ۱۳۷۵ در شیکاگو انجام گرفت و انتشار دوباره‌ی کتاب در داخل کشور با حمایت مهرانگیز ملاح محقق شد.

نویسنده‌ی کتاب در پیشگفتار این گونه می‌نویسد: «۱۲ سال پیش وقتی خانم دکتر افسانه نجم آبادی کتاب معایب الرجال بی بی مادر بزرگم را چاپ کردند موجب شد که کتابی را که از روی نواری که برادرم از مادرم خدیجه افضل وزیری فلاح درباره‌ی تأسیس دبستان دوشیزگان توسط بی بی استرآبادی وزیری مادرش به دستم داده بود و نوشته بودم برای خانم نجم آبادی بفرستم و ایشان آن را چاپ کردند.»

کتاب در ۳ فصل تنظیم شده است که فصل اول در مورد شخصیت اصلی داستان است و فصل دوم درباره‌ی زندگی نگارنده‌ی کتاب توضیح داده است. فصل سوم هم شامل پیوست هاست.



فصل اول موضوعاتی مثل برگ‌های زندگی، بی بی نوآور، دبستان دوشیزگان، ازدواج، مازندران، ویا، آتش سوزی نوکنده، تهران را در بردارد. در این فصل نوشته شده: «مادر بزرگم خدیجه ملا باجی ناصرالدین شاه بود که بعد از ازدواج با محمدباقر خان سرکرده‌ی ایل نزان مازندران برای زندگی به مازندران رفتند. فرزندان آن‌ها یک دختر به نام بی بی و یک پسر به نام حسینعلی بود. بی بی در عصر خود نوآور بود. پایه‌ی تربیتی جدیدی را برای هفت فرزندش که یکی بعد از دیگری قدم به عرصه‌ی وجود گذاشتند، ریخت.»

نویسنده می‌افزاید: «در آن دوران مدرسه وجود نداشت. بی بی خانم برای سه پسر

بزرگ‌تر، معلمی (ملاباشی) استخدام کرد. دختر بی بی خانم؛ خدیجه افضل که شش ساله بود با حسرت به کتاب‌های برادرانش نگاه می‌کرد. بی بی خانم که اشتیاق او را برای درس خواندن دید، از ملاباشی خواست تا او را نیز درس دهد. بعد از تأسیس مدرسه‌ی پسرانه کمالیه به مدیریت مرتضی خان، پسران برای تحصیل به آن‌جا فرستاده شدند. بی بی خانم نامه‌ای به مدیر نوشت و شرح داد که دختری هشت ساله با هوش و علاقه مند به درس خواندن دارد که اگر مدیر اجازه دهد او را با لباس و اسم پسرانه همراه برادرانش به مدرسه بفرستد تا درس بخواند. مدیر نیز پذیرفت. اما بعد از مدتی قضیه آشکار شد و خدیجه دیگر نتوانست به مدرسه برود. مادر اجازه نامه‌ی رسمی از وزارت معارف آن وقت برای باز کردن

مدرسه گرفت و همان سال مشروطه، یعنی ۱۳۲۴ دبستان دوشیزگان را افتتاح کرد.» فصل دوم در مورد زندگی خود نویسنده است. نویسنده؛ فصل را این گونه آغاز می کند: «به سال ۱۳۰۲ خورشیدی در یک شب زمستان در نوکنده به دنیا آمدم. ۴ ساله بودم که پدرم حاکم گرگان شد. مرا در تهران به مدرسه ی خاله اعلم السلطنه (مولود) که در منزل شخصی پشت باغشاه خیابان مخصوص مدرسه داشت، فرستاد. زمانی که در اهر (ارسباران) بودیم چون در آن جا دبیرستان وجود نداشت به اجبار تحصیل را کنار گذاشتم. بعد از ازدواج به علت علاقه به درس، ادامه تحصیل دادم. در سال ۱۳۵۱ در مدرسه ی عالی ترجمه لیسانس گرفتم. در سال ۱۳۵۲ به استخدام دانشکده ی علوم اجتماعی به عنوان محقق و مترجم در آمدم. بعد از مرگ همسرم دانشکده ی علوم اجتماعی به هنگام نبودم لیست کارمندان پیمانی و محققین را برای رسمی شدن به دانشگاه داده بود که چون نبودم از قلم افتادم و خانه نشین شدم.»

فصل سوم که حدود نیمی از کتاب را در بر می گیرد، مربوط به پیوست ها و یادداشت ها است که به کوشش افسانه نجم آبادی جمع آوری شده است. در صفحات آخر، چند عکس از شخصیت های اصلی کتاب نیز وجود دارد که دیدن آن ها خالی از لطف نیست. کتاب زنان پیشگام ایرانی «خدیجه افضل وزیری» دارای نمایه نیز می باشد.

متن کتاب به صورت داستانی است و هر چند در مورد اقدامات شخصیت های داستان خیلی توضیح نداده است اما اطلاعات مفید و خوبی را در بردارد. شرح زندگی خانم افضل وزیری به منزله ی پژوهشی است در مورد مختصات فرهنگی و اجتماعی دوران خود و بیانگر شیوه ی مبارزات فردی زنان و نیز دلایل عدم حضور آنان در عرصه ی تاریخ. در پرتو زندگی نامه ی این بانوی پیشگام، صدای گام های مادرش بی بی خانم استرآبادی، از مبارزان و مدافعان حقوق زنان دوره ی مشروطیت و مؤسس دبستان دوشیزگان شنیده می شود. نوشته هایی از خانم افضل وزیری در نشریات شکوفه، عالم نسون، شفق سرخ و ایران نو منتشر شده است. سخنان وی بسیاری از زوایای تاریک تاریخ زنان را روشن می سازد.

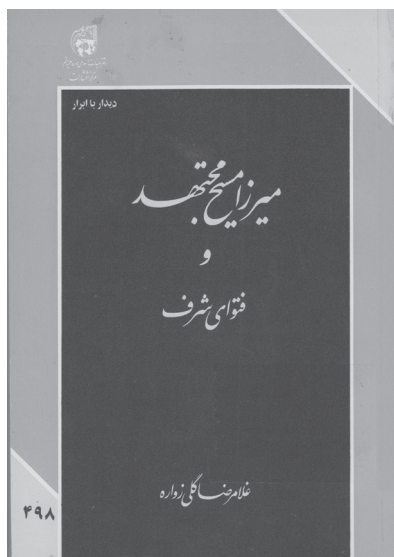
میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف

مقدمه

یکی از شخصیت‌هایی که در کویر ظلم و جهل ناشی از زمامداری قاجاریه چون چشمه‌ای جوشان جاری گردید و با مجاهدتی توانفرسا در زمره‌ی کاروان فقاقت قرار گرفت، میرزا مسیح مجتهد استرآبادی است.

شخصی که در زمان قاجاریه بر علیه سیاستمداران روس و اعمال ضد فرهنگی آنان تحولی عمیق به وجود آورده و نقطه‌ی عطفی را در تاریخ ایران رقم زد. هر چند به دلیل غرض‌ورزی‌های مورخان وابسته به دربار قاجار و تحلیل‌های سراپا غلط نویسندگان اروپایی به خصوص روسی، اقدامات او مورد تحریف قرار گرفته است.

کتاب «میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف» که به قلم غلامرضا گلی زواره نگاشته شده، به تحلیل شخصیت میرزا مسیح پرداخته و اقدامات شایان وی در دوره‌ی فتحعلی شاه قاجار را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب علاوه بر این که شمه‌ای از زندگی میرزا مسیح را می‌نماید، در مورد فتوای تاریخی او که به «فتوای شرف» شهرت دارد، می‌پردازد. معنای لغوی «شرف» احترام، عزت، آبرو می‌باشد و شاید دلیل استفاده‌ی نویسنده از این لغت این بوده که نشان دهد که مردم آن دوره، برای آبرو و عزت خود بسیار تلاش کردند و فتوای میرزا مسیح، نقش



مهمی در این راستا داشته است، هر چند که از این عنوان در کتاب استفاده‌ای نشده است. نویسنده در بخشی از کتاب می‌نویسد: «زمانی که مشغول تألیف مقالاتی درباره‌ی آسیای مرکزی و قفقاز و روابط تاریخی ایران و روسیه بودم، دریافتم این مجتهد مبارز و قیام شکوهمندی که وی رهبری می‌کرد به گونه‌ای شایسته به تشنگان حقیقت معرفی نشده؛ از این رو علی‌رغم بضاعت اندک و با اعتراف به عجز خویش بر آن شدم که در حد توانایی خود با استناد به منابع و متون متعدد تاریخی، این شخصیت گمنام را معرفی کنم.»

این کتاب در ۵ بخش (فصل) تنظیم شده و هر بخش را موضوعات مختلف در بر گرفته است. دو بخش اول کتاب در مورد زندگی و کار میرزا مسیح توضیحاتی داده شده و در سه بخش دیگر، در مورد اوضاع اجتماعی و سیاسی دورانی که وی در آن زندگی می‌کرده و

اتفاقاتی که در دوره ی او افتاده شرح داده است.

بخش اول: فروغ فروزان

در این بخش به زادگاه میرزا مسیح، دوران کودکی، دوران تحصیل، شاگردان، معاصران و اخلاق و رفتار تا فرزندان وی پرداخته شده است. درباره زادگاه وی آمده که در سال ۱۱۹۳ هـ ق در استرآباد متولد شد و این که نام استرآباد، از حدود ۶۰ سال پیش به این طرف به گرگان تغییر پیدا کرد. در مورد زندگی شاگردانی که در تهران محضر این فقیه را درک کرده اند، اطلاعاتی در دست نیست و متأسفانه شرح حال نگاران در این مورد گزارشی که به توان به آن استناد کرد را ارائه نکرده اند؛ اما در حوزه ی درسی که توسط وی در جوار بارگاه ملکوتی امام رضاع) تشکیل شد افرادی حضور داشتند مثلاً حاج میرزا نصرآ... مشهدی (تربتی)، حاج میرزا احمد ساوجی، مولانا عبدالرحمن شیخ الاسلام.

از افتخارات بزرگی که نصیب میرزا مسیح شد این بود که علی رغم اختناق و فشار ناشی از سلطنت قاجار و بیگانگان با شخصیت ها و دانشورانی نامدار، معاصر بود. بعضی از این افراد عبارتند از: سید محمد باقر شفتی بیدآبادی، شیخ ابراهیم بن محمد حسن خراسانی اصفهانی معروف به کرباسی، سید صدرالدین عاملی.

بخش دوم: چشمه ی اندیشه

با عناوینی چون: بر مسند مرجعیت، رساله ی علمیه، آفتاب خرد، سیری در آثار، اطاعت از والدین، معرفت و محبت مورد بررسی قرار گرفته. در این بخش بیان شده که در زمان مرجعیت میرزا مسیح وقایع مهمی در ایران روی داده و وی عدم سازش خود با استبداد را نشان داده است. همچنین وی رساله ای درباره ی احکام فقهی نوشته و سپس آن را تغییر داد و با مسائل جدیدتر تنظیم کرده. نسخه ای از چاپ سنگی این رساله در کتابخانه ی چهلستون مسجد جامع به شماره ثبت ۵۵۱۴ موجود است. هم چنین در این بخش به تعدادی از آثاری که از میرزا مسیح باقی مانده اشاره شده، از جمله: شرح کتاب المعاطه، قواعد الاصولیه، کشف النقاب فی شرح اللعنه الدمشقیه و

بخش سوم: ریشه های خشم

با موضوعاتی همچون اوضاع اجتماعی، خودکامه ی بی کفایت، رقابت برای غارت، تجاوز و تهاجم، آتش افروزی، نامه ی ننگین مورد تحلیل قرار گرفته است. عصری که میرزا مسیح در آن می زیست، روزگار تلخی بر مردم می-گذشت. افکار و عقاید و سنت های مردم در آن زمان ادامه ی وضع اجتماعی عصر صفویه بود. مردم بین باورهای خود و تمکین در مقابل شاهان، نوعی تضاد آشکار می دیدند. همچنین به گریبایدوف و نقش او در تحمیل معاهده ی ترکمنچای بر مردم ایران اشاره شده است. گریبایدوف خود در این زمینه گفته بود: «ایرانیان هرگز مرا به خاطر معاهده ی ترکمنچای نخواهند بخشید. آن انتقام خونین این پیشگویی را خلعت جانانه ای از عمل بر تن کرد».

بخش چهارم: نهر خروشان

عناوینی همچون خشونت و شرارت، وزیر مختار بدرفتار، فتنه‌ی یک ارمنی، عکس‌العمل علما، مسجد جامع، پایگاه قیام و روز حادثه را مورد بررسی قرار داده است. در این بخش به حادثه‌ی گریبایدوف و خشم مردم و کشته شدن او توسط مردم در ایران اشاره شده است. گریبایدوف که برای استرداد اسرا و دریافت غرامت به ایران آمده بود، بنای توهین و تحقیر را روا داشت. با گستاخی به بهانه‌ی جستجوی گرجیان و روسیان پناهنده، به حریم خانه‌های مسلمانین تجاوز کرد و در پی تعقیب زنان گرجی بر آمد. به هر حال عمل وی و کارگزارانش به جایی رسید که به طور علنی و رسمی اعمال رویه‌ای خلاف اصول مسلم اسلام در سرزمین اسلامی ایران طلب می‌کرد. نصایح و تذکرات سودمند علمای اسلامی و روحانیون نیز مؤثر واقع نشد. زنانی که اسیر گریبایدوف بودند، زمانی که به خروش درآمدند و از علما و مسلمانان استمداد طلبیدند، عوامل حکومتی آن‌ها را دعوت به سکوت کردند. سکوت کارگزاران دربار قاجار و بی توجهی آنان علما را عصبانی کرد تا جایی که موضوع در مساجد و محافل دینی نقاط شهر مطرح شد. مردم رهبریت و مشروعیت میرزا مسیح مجتهد را پذیرفتند. بیانات این مجتهد، جوشش دیگری در مردم ایجاد کرد. وی ابتدا توسط فرستاده‌ای از گریبایدوف خواست که زنان را آزاد کند تا از خطرات ناشی از سرپیچی از این تقاضا ایمن باشد. سفیر روس به تقاضای مکرر میرزا مسیح اعتنایی نکرد.

با فتوای میرزا مسیح مجتهد در روز چهارشنبه ۶ شعبان ۱۲۴۴ ه. ق مردم کار را تعطیل و در مسجد جامع تهران اجتماع کردند. به دستور وی به سمت سفارت روس روان شدند. گریبایدوف دستور آزادی زنان را داد در حین تحویل زنان به مردم بین بعضی از افراد و مستخدمین سفارت کشمکش در گرفت و یکی از افراد جمعیت به ضرب گلوله کشته شد. مردم که بسیار خشمگین شده بودند، به سفارت حمله و گریبایدوف را کشتند.

بخش پنجم: فرجام ماجرا

در آخرین بخش کتاب به عناوینی چون: حشمت و وحشت، عذرخواهی، حرکت به سوی عتبات، ماهیت قیام، دست انگلیس، حکایت آصف الدوله، نقش دربار، آمده است. در این بخش عواقب کشته شدن گریبایدوف در ایران، بررسی شده است بعد از این ماجرا میرزا مسیح طبق درخواست روس‌ها از ایران به عتبات تبعید شد.

در پایان، نویسنده ضمن تشکر از آیت‌الله شیخ حسن سعید که اجازه داده از منابع ارزشمند نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی چهل ستون مسجد جامع تهران بهره‌برد، تشکر کرده و به ذکر منابعی که در نگارش کتاب استفاده کرده، پرداخته است. علاوه بر آن تعداد محدودی عکس و سند مانند تصویری از چهره‌ی گریبایدوف، یک صفحه از آثار فقهی میرزا مسیح و ... برای اطلاع بیشتر خواننده، چاپ شده است.